

## نگاهی تحلیلی‌گرانه به عمران روستایی در ایران «بخش دوم»

Dr. Hossein Asayesh

### Analyssistic Observation to Rural Development in Iran

«Part two»

The present article contains of two parts and four chapters. The first part divided into two chapters, is allotted to the rules and plans for Rural Development, prior to Islamic Revolution victory. Containing explanation and description of the rules, this part discusses rural development programmes of the country and analyzes the reasons of nondeveloping or slow improvement of the rules and programmes; furthermore, it may be considered as an experience for the programmers of future Iran.

In the second part, the Rural Development, the period after the Islamic Revolution victory is discussed; the author, with kin observation, attempts to illustrate the achievements resulted from the first of cultural, social and economic development plan in Islamic Republic of Iran, in rural and agricultural fields.

### عمران روستایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

الف - تصویب و اجرای قوانین عمران روستایی بعد از انقلاب اسلامی:

مضمون غالب نوشته‌ها، تحلیلها و گزارشهای مربوط به نتایج اجرای قوانین عمران روستایی، در مدت بیش از نیم قرن است که تمام این قوانین و آئین‌نامه‌ها و اولویتهایی که برای حفظ و نگهداری روستاها به عنوان کوچکترین واحد اقتصادی و اجتماعی جامعه، تا انقلاب اسلامی، به تصویب رسیده و به مرحله اجرا در آمده، در عمل با اشکال و نارسائیهایی مواجه شده و نه تنها فایده

محسوسی برای روستا و روستاییان نداشته، بلکه مسائل و گرفتاریهایی هم برای آنها فراهم کرده است. شاهد این ادعا، مهاجرت روز افزون روستاییان به شهرها و خالی شدن روستاها از سکنه می باشد (دومیلیون نفر جمعیت روستایی بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ روستا را ترک کرده بودند). این عوامل تأثیر بسزایی در ساختار اقتصادی، اجتماعی مناطق روستایی ایران به جای گذاشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مسائل کشاورزی و دهقانی به علت اهمیت استراتژیک آن، در تأمین استقلال اقتصادی کشور در سر لوحه برنامه دولت قرار گرفت. در اجرای این هدف دولت قوانین را تهیه و بعد از تصویب به مورد اجرا گذاشته است. که در زیر به اهم آنها به اجمال اشاره می شود.

### ۱- لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی:

اولین اقدام جمهوری اسلامی ایران برای محرومیت زدایی از جامعه روستایی، تأسیس ستاد مرکزی هیأت‌های هفت نفره واگذاری اراضی است. این اولین دستی بود که در سال ۱۳۵۹ پس از پیروزی انقلاب ایران براساس ضرورت زمین دار کردن روستاییان فقیر و بی زمین، از آستین انقلاب اسلامی بیرون آمد و بدین ترتیب شالوده، نهاد انقلابی هیأت‌های واگذاری و احیای اراضی ریخته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی «احیای اراضی موات» و «تعیین تکلیف مالکیت زمین» یکی از مسائل عمده‌ای بود که در دستور کار دولت قرار گرفت، بطوری که در تاریخ پنجم شهریور ماه ۱۳۵۸ درباره واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران لایحه قانونی در نظر گرفته شد که در آن وضعیت مالکیت اراضی مشخص گردید. این لایحه در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۷ با اندکی تغییر و تکمیل به تصویب شورای انقلاب رسید و به دولت ابلاغ شد و به دنبال آن آئین‌نامه اجرایی آن مبنای تشکیل نهاد نوپای هیأت‌های واگذاری و احیای اراضی شد.

براساس ماده یک لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی مصوب شورای انقلاب، اراضی به چهار بخش تقسیم شدند:

#### الف- اراضی موات و مرتع

ب- اراضی آبادشده توسط افراد یا شرکتهای دادگاه صالح اسلامی به استرداد آنها حکم داده است.  
ج- اراضی بایر که قبلاً دایر بوده و برحسب ملاکهای رژیم قبلی ملک اشخاص یا مؤسسات شمرده می شده است.

#### د- اراضی دایر

در واقع با تصویب این قانون، مسأله «احیای اراضی موات» و «اصلاح ساختار اراضی» و

«نحوه مالکیت زمین» مبنای کار هیأتها قرار گرفت. این قانون به صورتی همه جانبه از نظر حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی دارای ظرافت خاصی است و محور عمده آن افزایش درآمد روستاییان و عمران و آبادی روستاها از طریق «احیای اراضی» و تقویت بنیه تولید و حمایت همه جانبه از کشاورزان بی زمین و کم زمین بوده است. کما اینکه در ماده شش همین قانون برخلاف قوانین اصلاحات ارضی قبل از انقلاب اسلامی در واگذاری اراضی، اولویت را به روستاییان بدون زمین و کم زمین داده است.

آئین نامه اجرایی لایحه قانونی اصلاح «لایحه قانون واگذاری احیا و اراضی» مشتمل بر ۳۳ ماده و تبصره‌های آن در تاریخ ۵۹/۲/۳۱ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی رسید و به دولت ابلاغ شد و هیأت‌های هفت نفره و گروه‌های تحقیق شروع به کار کردند و قانون به مرحله اجرا درآمد.

در سال ۱۳۶۷ اصلاحیه قانون واگذاری زمینهای بایر و دایر که بعد از انقلاب به صورت کشت موقت در اختیار کشاورزان قرار گرفته بود و آئین نامه اجرایی آن در جلسه مورخه ۱۳۶۷/۶/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی تصویب و در مورخه ۱۳۶۷/۱۰/۲۷ به دولت ابلاغ شد. وسعت کار هیأت‌های هفت نفره واگذاری و احیای اراضی و وظایف متنوع و متعدد آنها ایجاب می‌کرد تشکلی به این نهاد داده شود تا با سازماندهی اصولی بتواند فعالیت‌های انجام شده را استمرار بخشیده و به عملکرد فعلی خود قدرت و شتاب دهد. به همین منظور برای ایجاد حداکثر تجانس و رعایت پیوستگی وظایف و محدود کردن تشکیلات و حوزه ستادی در اواخر سال ۱۳۷۱ از سوی شورای عالی اداری مصوبه‌ای به تصویب رسید که بر مبنای بند هفت آن، سازمان اصلاحات ارضی در ستاد مرکزی هیأت‌های هفت نفره واگذاری و احیای اراضی، ادغام و سازمانی تحت عنوان «سازمان امور اراضی» تشکیل شد. با این تغییر تشکیلاتی کلیه امور مربوط به تشخیص، شناسایی، افزاز، تحدید حدود، نقشه برداری، احیای و واگذاری و بهره‌برداری اراضی و اجرای کلیه قوانین و مقررات اصلاحات ارضی، لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی و آئین نامه اجرایی لایحه قانونی مزبور و کلیه قوانین و مقررات مربوط به زمین در محدوده اختیارات و وظایف وزارت کشاورزی در سازمان امور اراضی متمرکز می‌شود.

در کل و به اجمال می‌توان گفت اهم وظایف «سازمان امور اراضی» و استخوان بندی قوانین مربوط به عمران و آبادی روستاها از طریق احیا و واگذاری زمینهای موات و بایر به روستاییان می‌باشد. بطوری که ماده شش قانون واگذاری زمین تصریح می‌کند که ... «واگذاری اراضی برای

مدت معین (چند سال) و در صورت عملکرد مطلوب واگذاری زمین تمدید می‌شود... زمین مورد واگذاری نباید بدون عذر موجه معطل و بلاکشت بماند.» گفتنی است، پس از انقلاب تصویب و اجرای قوانین مربوط به واگذاری و احیای اراضی و قانون کشت موقت در غالب نقاط ایران دیدگاههای متفاوتی را به دنبال داشت.

در پاره‌ای از مناطق ایران روستاییان بی زمین و کم زمین خواستار دریافت زمین بودند، به تبع جو سیاسی و اجتماعی ناشی از انقلاب، در برخی از نقاط از بزرگ مالکان و بعضاً مالکان متوسط خرده مالکان، به وسیله روستاییان، خلع ید و اراضی مزروعی آنها را متصرف شدند، و در بعضی مناطق دیگر، اراضی مزروعی برخی مالکان توسط دادگاههای انقلاب و یا دیگر نهادها مصادره شد. همچنین پاره‌ای از بهره‌بردارها نظیر شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی روستایی، کشت و صنعتها که با رفع مسائل و تنگناها، امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و بهره‌برداری بهتر از منابع آب و خاک، در جهت توسعه کشاورزی و روستایی وجود داشت به سبب پاره‌ای عوامل سیاسی و اجتماعی و تضاد در بینشها منحل شد.<sup>۲۸</sup>

همچنین بر اثر پاره‌ای مسائل، اجرای بند «ج» و «د» متوقف شد. ستاد واگذاری زمین در گزارش مختصر خود به چگونگی توقف بند «ج» و «د» چنین اشاره می‌کند: «از همان ابتدا مواجه با مخالفتها و سم پاشیهایی از طرف زمینداران بزرگ و عناصر وابسته به آنها و بعضی از جریانات دیگر گشت و تا بحال در مورد زمین سخن بسیار رفته است و شکایات بسیاری از عملکرد هیأتها شده تا بدانجا که باعث شبهاتی در ذهن حتی دوستانی که بایستی در این باره یار و مددکارمان باشند شده است. سم پاشی فئودالها، خوانین و اشخاص مختلف و صاحب نفوذ دیگر و بزرگ کردن اشتباهات کوچک بعضی از هیأتها، هفت نفره و جنگ تحمیلی عراق، مخالفت بعضی از روحانیون و ائمه جماعت با تقسیم اراضی، جوئی را به وجود آورده است که نتیجه آن در کوتاه مدت باعث کاهش تولیدات کشاورزی می‌باشد. فشار صاحبان نفوذ روز به روز بیشتر می‌شد تا اینکه توقف اجرای بند «ج» و «د» اعلام شد و هیأتها هفت نفره مجاز بودند طبق بند «الف و ب» عمل کنند.»<sup>۲۹</sup>

سرانجام با توجه به مسائل و مشکلات پیش آمده و دفع شرّ، سم پاشان که در فوق به آنها اشاره شد، آیت... ربانی شیرازی نماینده امام در شورای نگهبان پس از دیدار با امام در مصاحبه‌ای اعلام کرد: طبق دستور امام فقط بند «الف» و «ب» قانون واگذاری زمین اجرا می‌شود و بند «ج» و «د» به حالت تعلیق در می‌آید و علت آن را بیان کرد.

در پایان این بحث به عملکرد و اثرات اجرایی این قانون در رابطه با عمران روستایی از بدو

تأسیس تا سال ۱۳۷۱ اشاره می‌شود. به اجمال می‌توان گفت تا پایان سال ۱۳۷۱ با همه فراز و نشیبهایی که اجرای این قانون داشته بالغ بر ۵۰۷/۵ هزار هکتار از اراضی ملی، ۵۳ هزار هکتار از اراضی مصادره‌ای، ۸۲ هزار هکتار اراضی بایر و دایر و ۸۵۰ هزار هکتار از اراضی کشت موقت را تحت نظارت و عمران و کنترل درآورده است. کل اراضی تحت کنترل و عمران و آبادی «سازمان امور اراضی» برای کشت بالغ بر ۱/۵ میلیون هکتار است که معادل ۸/۱٪ از کل اراضی تحت کشت و آیش محصولات سالانه دائمی کشور است<sup>۳۰</sup>. مقادیر اراضی تحت کنترل و نظارت سازمان امور اراضی در جدول شماره ۶ آمده است. (جدول شماره ۶)

جدول شماره ۶- واگذاری زمین زراعی به تعاونیهای بهره‌برداری مشاع واحد: هکتار

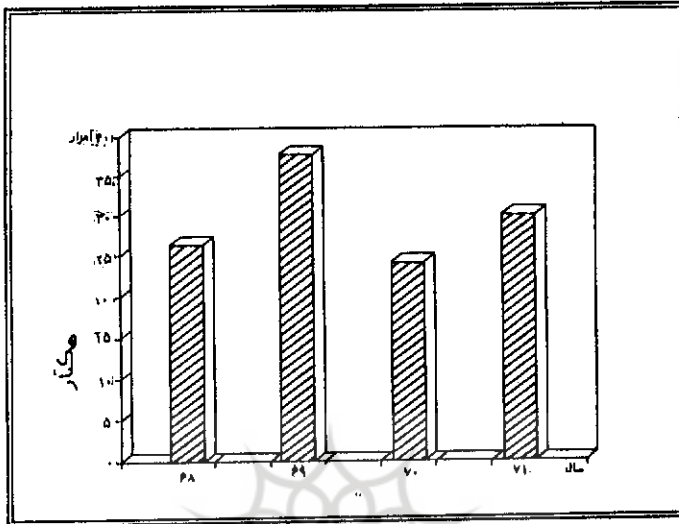
انواع اراضی	دوره قبل از برنامه ۵۹ - ۶۷	برنامه پنجساله اول (۷۲ - ۱۳۶۸)					جمع کل دوره ۶۸ - ۷۲	نرخ رشد دوره درصد
		۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	(۱) ۷۲		
اراضی موات و ملی	۳۸۹۴۹۹	۲۶۳۴۳	۳۷۶۷۷	۲۳۹۶۶	۲۹۷۳۶	۳۲۰۰۰	۱۴۹۷۲۲	۹/۵۸
اراضی استردادی	۴۶۷۰۴	۳۲۹۱	۱۲۰۰	۴۰۹	۱۳۴۸	۱۰۰۰	۷۲۴۸	۱۸/۵۸
اراضی بایر و دایر	۸۱۹۵۹	-	-	-	-	-	-	-
اراضی کشت موقت (۲)	۲۸۹۹۱۵	۱۴۶۱۱۷	۲۰۴۶۶۲	۲۰۹۳۰۶	(۳) -	-	۵۶۰۰۸۵	-
جمع کل سالیانه	۸۰۸۰۷۷	۱۷۵۷۵۱	۲۴۳۵۳۹	۲۳۳۶۸۱	۳۱۰۸۴	۳۳۰۰۰	۷۱۷۰۵۵	-۱۱/۵۰
جمع کل تجمعی	۸۰۸۰۷۷	۹۸۳۸۲۸	۱۲۲۷۳۶۷	۱۴۶۱۰۴۸	۱۴۹۲۱۳۲	۱۵۲۵۱۳۲	۱۵۲۲۷۹۳	۱۲/۰۳

(۱): سال ۷۲ برآورد شده است.

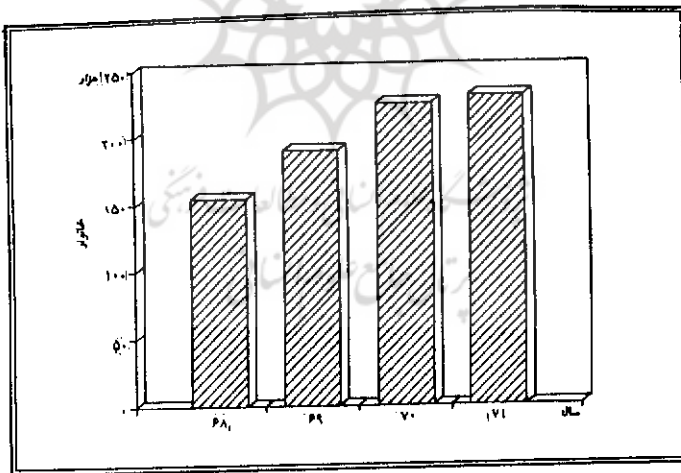
(۲): عملکرد دوره قبل از برنامه اول در این خصوص مربوط به سال ۶۵ تا ۶۷ است.

(۳): به علت ۵ ساله بودن قانون عملکرد در سال ۷۰ خاتمه یافته است.

نمودار شماره ۶- واگذاری اراضی موات و ملی سازمان امور اراضی



نمودار شماره ۷- آمار شاغلین در اراضی واگذار شده سازمان امور اراضی



## ۲- جهاد سازندگی و عمران روستایی:

دومین حرکت در مسیر عمران و آبادی روستاها پس از انقلاب اسلامی با حکم رهبر انقلاب و به صورت قانون جهاد سازندگی در سال ۱۳۵۸ آغاز به کار کرد. قسمت اعظم فعالیت‌های عمران و آبادی روستاها و مناطق محروم کشور به عهده این سازمان واگذار شد. جهاد سازندگی ابتدا به

صورت یک نهاد خود جوش انقلابی فعالیت خود را شروع کرد و در تاریخ ۶۲/۹/۱۹ طبق قانون، تشکیلات و فعالیت جهاد سازندگی به صورت وزارت درآمد. نقش نیروهای جهاد سازندگی بمراتب بارزتر و فعالیت آنان چشمگیرتر است. زیرا شرح وظایف، جوانی و پر شوروی نیروی انسانی متشکل و امتیازات قانونی و دستوری در تأمین منابع مالی و مواد مورد لزوم جهاد سازندگی این امکان را برای نیروهای آن به وجود آورد تا در هر یک از فعالیتهای وزارتخانه‌ها و سازمانهای دیگر به نوعی مشارکت داشته باشند. به همین علت است که در برنامه‌های آموزشی، بهداشتی، کشاورزی، بهسازی روستا و تأمین آب و برق روستاییان و غیره جهاد سازندگی نقش اساسی را ایفا می‌کند. اما این فعالیتها تا چه اندازه اثر مثبت خواهد داشت مسلماً نیاز به ارزشیابی دقیق و ژرف زمان دارد. ولی می‌توان گفت که بی شک جهاد سازندگی در بین مراکز اجرایی طلایه‌دار و پیشتاز حرکت عمرانی در روستا بوده و نقش برجسته‌ای را در این زمینه ایفا کرده است.

### ۳- قانون تشکیلات شوراهای اسلامی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از هم پاشیدگی نظام سیاسی پیشین گروههای مختلف سیاسی با استفاده از هیجانات انقلابی مردم، هر یک به نوعی در صدد بودند تا با طرح تشکیلات شورایی در روستاها، ارتباط ضعیف بین ده و دولت را که در جریان انقلاب شدیداً به قوت گزیده بود، مجدداً به حالت اول خود برگردانند. هر کدام از این گروهها، با توجه به ایدئولوژی خود که بیشتر متمایل به چپ بود سعی داشتند تا در روستا نفوذ کرده شوراهای مطلوب خود را تشکیل دهند. این تحریکات منجر به حوادثی مانند حوادث گنبد شد. از طرفی دیگر در آغاز راه هر یک از نهادها با توجه به نیازی که داشتند، اقدام به تأسیس شورا کردند، از جمله هیأت‌های هفت نفره واگذاری زمین از بدو تشکیل در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۸ تا دی ماه همان سال در ۵۱۳۱۸ روستا مبادرت به تشکیل شوراهای روستایی کردند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در روستاهای خوزستان و آذربایجان شرقی در تشکیل شوراهای اسلامی حضور فعال داشته و بدین ترتیب تعدد مراکز وابسته به نهادهای مختلف، مشکلاتی را در روستاها و نهادهای مرتبط به وجود آورد. برای رفع این مشکل و تثبیت مدیریت روستا در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۸ مرکزیتی با مسؤلیت جهاد سازندگی به نام «مرکز هماهنگی شوراهای اسلامی» شکل گرفت که در مرکز، نمایندگانی از جهادسازندگی، هیأت‌های هفت نفره واگذاری زمین و وزارت کشور حضور داشتند.

جهاد سازندگی بر طبق قانون دارای کمیته‌ها و واحدهای اجرایی مختلف بود که از جمله آنها می‌توان به دو واحد «امور شوراها و بسیج» و «بهسازی و مسکن روستایی» اشاره کرد. این دو واحد

در روند عمران روستایی و سازندگی روستاها نقش بسیار عمده و پر اهمیتی بر عهده دارند که به اختصار در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود:

### - واحد امور شوراهای و بسیج :

این واحد در زمینه سازماندهی و بسیج شوراهای روستایی فعالیت می‌کند. طرح تشکیلات شوراهای اسلامی کشور در تاریخ ۶۱/۹/۱ به تصویب رسید. در آغاز هیأت‌های هفت نفره، فرمانداری و جهاد سازندگی در تشکیل شوراهای روستایی دخالت داشتند، ولی به موجب تبصره ماده یک، انتخاب شوراهای روستایی توسط جهاد سازندگی و زیر نظر وزارت کشور انجام خواهد شد. آئین‌نامه مربوطه به وسیله این دو ارگان تدوین شد. براساس ماده ۲۶ طرح تشکیلات شوراهای اسلامی، وظایف و اختیارات شورای هر ده به شرح زیر است:

- ۱- نظارت و همکاری با مسئولین اجرایی و نهادهای انقلابی در امور اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و اقتصادی از قبیل تهیه و تنظیم شناسنامه ده شامل آمار جمعیتی (ساکنان ده) و آمار منابع و امکانات (آمارهای کشاورزی، دامی، خدماتی، صنعتی و ...)
- ۲- مراقبت در اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت ده و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط

### ۳- کوشش در جهت احیای و لایروبی قنوات و نهرهای متروکه

- ۴- همکاری و هماهنگی در امور مربوط به جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ و عمران مزارع، باغها، مراتع، جنگلها، اماکن عمومی و راههای فرعی و روستایی و ارائه طرح و پیشنهاد در این زمینه‌ها به شورای بخش

### ۵- تشویق اهالی ده به ایجاد کارهای دستی و توسعه صنایع روستایی

### ۶- تشویق مردم به نگهداری و تأسیس مساجد و تکایا و بقاع متبرکه و حفظ آثار باستانی

### ۷- با تشکیل کلاسهای به آموزش اهالی در امر سواد آموزی کمک کند.

### ۸- نظارت و پیگیری در اجرای پروژه‌های اختصاص یافته عمرانی

- ۹- همکاری و هماهنگی با وزارت کشاورزی و ارگانهایی که در رابطه با روستا فعالیت دارند و

### ایجاد تعاونیها و نظارت بر آنها

در بدو امر به نظر می‌رسید شوراهای اسلامی روستا با انجمنهای ده که شرح آن گذشت، هیچ گونه تفاوتی ندارد، ولی شوراها از لحاظ اهداف و نقشی که در روستاها بر عهده دارند و نیز از حیث آئین‌نامه داخلی با انجمن ده پیشین تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند که فعلاً مجال بحث در این



مقوله نیست.

شوراهای اسلامی روستا با همه اقدامات و فعالیتهای مفید و اساسی که در روستاها انجام داده‌اند، مثل هر سازمان نوپای دیگر دارای ضعفها و نارسائیهایی می‌باشند.

اهم این نارسائیها را دست اندرکاران اجرای طرح چنین بیان می‌کنند:<sup>۳۱</sup>

- ۱- عدم وقوف کامل اعضاء به وظایف و اهداف شوراهای
- ۲- نسبت نامتناسب ترکیب اعضاء در رابطه با قشرهای مولد در بعضی موارد
- ۳- عدم اختصاص بودجه معینی به شوراهای برای انجام کارهای عمرانی
- ۴- جوان بودن اعضاء شوراهای روستایی (متوسط سن آنان در اکثر موارد کمتر از ۴۰ سال

است.)

مشکلات و مسائل اجرایی شوراهای از دیدگاه محقق دیگری به شرح زیر است:<sup>۳۲</sup>

شوراهای از دو طرف در فشار بوده‌اند:

- ۱- از جانب نیازها و خواسته‌ها و انتظارات مردم
  - ۲- از جانب مسؤولین برای مطرح کردن کاستیها و مشکلات
- در این زمینه می‌توان گفت که دو نوع بینش و برخورد متفاوت با شوراهای وجود دارد:
- الف - عده‌ای از مسؤولان اجرایی، شوراهای را به عنوان حق اسلامی و انقلابی مردم می‌دانند و اعتقاد به حضور آنها در صحنه دارند.

ب - عده‌ای دیگر شوراهای را تنها ابزاری برای رفع تنگنایهای اجرایی دانسته و هیچ‌گونه ارزش اجتماعی برای آن قائل نیستند، ریشه‌های بسیاری از مشکلات شوراهای اسلامی برخاسته از برخورد مردم است.

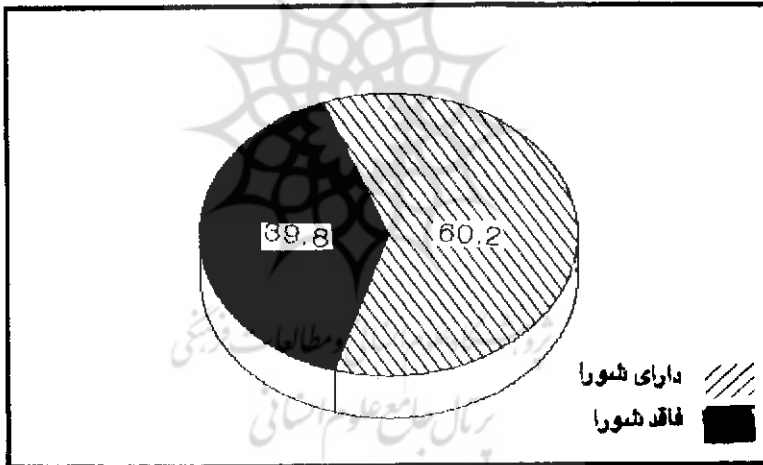
بطور کلی مشکل عمده شوراهای، عدم تصویب آئین‌نامه شوراهای در مجلس بود. غیر از مشکلات قانونی، دو مشکل عمده دیگری نیز وجود داشت که عبارت است از:

- ۱- به دلیل مشخص نبودن جایگاه شوراهای و فقر فرهنگی حاکم، کارها از دو جهت با مشکل مواجه می‌شد. نخست این که افراد صالح و مستضعف روستاها، دارای اعتماد به نفس کافی برای تقلیل این مسؤولیت نبودند.

مسائلی از قبیل با سواد یا کم سواد، عدم تمکن مالی، نداشتن قدرت اجرایی و دور بودن از مراکز تصمیم‌گیری در شهر، در ایجاد این روحیه مؤثر بود. از طرف دیگر مطرح کردن یک سیستم جدید فعالیت در روستا، مسأله‌ای بود که پذیرش آن از سوی روستاییان بسادگی امکان پذیر نبود.

۲- قشری که بر اثر انقلاب از نظر مالی و مقام اجتماعی تنزل و ضرر کرده بود در راه تشکیل شوراهای کارشکنی می‌کرد. همچنین عدم همکاری برخی سازمانها و نهادها در اجرای خواسته‌ها و برنامه‌های مورد نیاز شورا از عمده‌ترین مشکلات آنها به شمار می‌رود. سایر مشکلات شوراهای را می‌توان در مشکلات داخلی و نداشتن امکانات کار، فقر فرهنگی، قومیت‌گرایی، عدم انسجام درونی شوراهای، مشکلات رفاهی، نداشتن قدرت اجرایی و توقعات بیش از حد مردم دانست. نمودار شماره ۸، وضعیت شوراهای اسلامی را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بطوری که نمودار مذکور نشان می‌دهد، تعداد ۳۴۶۴۸ روستا یا ۶۰/۲٪ روستاهای کشور تا سال ۱۳۷۱ دارای شورای اسلامی بوده‌اند.

نمودار شماره ۸ - تعداد کل روستاهای دارای شورا و بدون شورا مربوط به سال ۱۳۷۱



- واحد بهسازی و مسکن روستایی:

واحد بهسازی و مسکن روستایی در آغاز زیر نظر بخش ساختمان کمیته عمران دفتر مرکزی جهاد سازندگی فعالیت می‌کرد. ولی از اوایل سال ۱۳۶۶ کار خود را در شکل واحدی مستقل تحت عنوان اداره کل بهسازی و مسکن روستایی ادامه داد.

اهداف «طرح بهسازی» که کار محوری این واحد را تشکیل می‌دهد، بشرح زیر است:

۱- بهبود اوضاع فیزیکی و محیط زیست روستاییان در جهت ارائه خدمات رفاهی به

- کشاورزان و روستاییان و کاهش اختلاف موجود بین شهر و روستا
- ۲- زمینه‌سازی برای گسترش سرمایه‌گذاریهای تولیدی و تجاری
- ۳- زمینه‌سازی برای افزایش سطح خدمات در مناطق روستایی
- ۴- ایجاد شرایط مناسب محیطی جهت استقرار نیروهای متخصص در زمینه‌های تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی

واحد بهسازی برای انجام کار ابتدا روستاهای کشور را طبقه‌بندی کرد. زیرا کثرت تعداد روستاهای کشور و محدودیت امکانات دولتی در ارائه خدمات به آنها از یک طرف و وجود تفاوت‌های قابل توجه در اوضاع اقتصادی و اجتماعی روستاهای مختلف از طرف دیگر، روش خاصی از برنامه‌ریزی را طلب می‌کرد که عبارت بود از تعیین سطح خدمات مناسب برای هر روستا. بطور کلی در دو طبقه‌بندی کلان، دو سطح خدمات در نظر گرفته شده است. یکی، ارائه موادی به صورت دستورالعمل برای روستاهایی که جمعیت کمی دارند و طبعاً دارای سطح نازلی از خدمات خواهند بود و دیگری، روستاهای برخوردار از جمعیت بالا که سطح بالایی خدمات به آنها تعلق می‌گیرد. براساس تقسیمات سیاسی، کشور به ۲۰۰۰ دهستان تقسیم شده است که هر کدام از آنها دارای یک مرکز دهستان می‌باشد. انتخاب مراکز دهستان به عنوان مرکز ارائه خدمات به روستاهای تحت پوشش و قطب توسعه مناطق روستایی، این امکان را می‌دهد که ضمن تأکید برای اهمیت سیاسی این مراکز، تمامی فعالیت‌های دولت به صورت هماهنگ به اجرا درآیند.

- مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری:

یکی دیگر از اقدامات اساسی که برای عمران روستایی پس از انقلاب اسلامی به مرحله اجرا درآمد ایجاد مراکز خدمات کشاورزی و روستایی است. قانون تشکیل مراکز خدمات روستایی در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۴ به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۳ آئین نامه اجرای آن را دولت تصویب کرد و وزارت کشاورزی مأمور اجرای آن شد.

در تعریف مرکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری آمده است که این مرکز یک واحد برنامه‌ریزی، اجرایی، هدایتی، حمایتی و نظارتی بخش کشاورزی در سطح دهستان است که با اعمال سیاستها و برنامه‌های کشاورزی، با همکاری و مشارکت مردم، براساس شناخت عوامل تولید، موجبات بهبود و توسعه کشاورزی و حفظ و بهبود منابع طبیعی، به صورت جامع را در درون نظام‌های بهره‌برداری منطقه مورد عمل فراهم می‌سازد.<sup>۳۳</sup>

همچنین اهداف تشکیل مراکز خدمات کشاورزی این طور بیان شده است:

«توسعه فعالیتهای کشاورزی و عشایری از طریق ارائه خدمات فنی و اعتباری، زیربنایی، رفاهی آموزشی، تحقیقی و ترویجی، تهیه و تجهیز و توزیع وسایل و لوازم و نهادهای کشاورزی و دامی و ارائه تسهیلات و خدمات بازرگانی».

دربخش آب و خاک، تهیه و اجرای طرحهای زیر در دستور کار مراکز خدمات کشاورزی قرار دارد:

۱- تعمیر اساسی و احیای و لایروبی قنوات و آب بندان و استخرهای تنظیم آب و بهره برداری از چشمه‌ها.

۲- احداث انبار و بندسارها و ایستگاههای پمپاژ، تأسیسات آبی مورد نیاز از قبیل دریچه و آبگیر، مقسم، حفرچاه

۳- مرمت و اصلاحات شبکه‌های سنتی آبیاری و آبرسانی که حدود سطح زیر کشت فعلی را آبیاری می‌کند.

۴- احداث شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی، دیواره‌های ساحلی، سیل بندها، سیل برگردانها و سدهای خاکی.

۵- تراس بندی، کشت نباتات علوفه‌ها و بوته‌های مرتعی برای جلوگیری از فرسایش خاک و احیای مراتع و جنگلها

۶- اصلاح اراضی از طریق شبکه‌های زهکشی و تبدیل اراضی نامناسب و دیم به مراتع و اجرای عملیات زراعی با رعایت حفاظت از خاک

البته مراکز خدمات کشاورزی دارای اهداف زیر بخش نیز می‌باشند که از ذکر همه آنها در این جا خودداری می‌شود. بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که الگوی خدمات کشاورزی، ضمن اینکه برخی ویژگیهای طرح مراکز خدمات عمرانی هند، طرح مراکز درجه ۲ و ۳، ست کوپ و طرح دهکده‌های ابتدایی، واسط و مرکزی سبتران و طرح مراکز خدمات کشاورزی را داراست، اما از سوی دیگر دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که آنها را از طرحهای یاد شده متمایز می‌سازد.<sup>۳۴</sup>

#### ۴- قانون تشکیل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی:

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یکی دیگر از نهادهای بعد از انقلاب است که در زمینه عمران روستایی فعالیتهای اساسی به انجام می‌رساند. بنیاد در تاریخ ۵۸/۱/۲۱ در ارتباط با افتتاح حساب ۱۰۰ امام (ره) و به منظور کمک در امر مسکن محرومان و مستضعفان در تهران تأسیس و سنگ بنای آن گذاشته شد و بتدریج شعب آن در مراکز استانها، شهرستانها و حتی بخشهای کشور شروع به

کار کرد.

بعدها به موجب قانون نحوهٔ ادارهٔ بنیاد مسکن و معاملات واحدهای مسکونی مصوب ۵۹/۱۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی، هیأت امنای بنیاد مسکن منحل و با جلب مشارکت مردم، کلیه اقدامات و عملیات بنیاد مسکن زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفت و مقرر شد آئین‌نامه‌های اجرایی آن نیز با تصویب وزیر مسکن و شهرسازی اجرا شود.

اساسنامه جدید بنیاد در تاریخ ۶۰/۴/۱۷ به تصویب رسید.<sup>۳۵</sup> بالاخره بعد از فراز و نشیب زیاد اساسنامه قانونی این نهاد در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۱۷ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که طی آن چهار وظیفهٔ اصلی از جمله «مجموعهٔ فعالیتهای عمران روستایی» بر عهده بنیاد مسکن گذاشته شد.

در فصل اول اساسنامه جدید در باب تعریف و هدف بنیاد مسکن آمده است که بنیاد یک نهاد انقلاب اسلامی است که به منظور تأمین مسکن محرومان بویژه روستاییان در چهارچوب سیاستها و برنامه‌های دولت تشکیل شده است. برطبق ماده ۲، اساسنامه مطالعه و بررسی در زمینه تشخیص و تعیین نیازمندیهای مسکن محرومان اعم از روستایی و شهری و فراهم آوردن موجبات اجرای آن با مشارکت و همکاری و خودیاری مردم و دستگاههای مختلف به عهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است. عالیترین مرجع تصمیم‌گیری در این نهاد، شورایی است مرکب از نماینده ولی فقیه، نماینده دولت (وزیر مسکن و شهرسازی) و سه نفر از متخصصان و دست‌اندرکاران ساختمان و شهرسازی به انتخاب دو نفر اول که تحت عنوان شورای مرکزی انجام وظیفه می‌کنند.

مجموعهٔ وظایف عمران روستایی شامل تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی، تفکیک و واگذاری زمین روستایی، توزیع وام قرض الحسنه مسکن روستایی، مطالعات منطقه‌ای، طرحهای مطالعاتی و طرحهای بهبود کیفیت روستایی و همچنین بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده از سوانح طبیعی می‌باشد. اقدامات انجام شده این نهاد به شرح زیر می‌باشد:

- عمران و بهسازی مسکن روستایی:

الف - اهداف مورد نظر از نظر، تهیه و اجرای طرح هادی روستایی عبارتند از: ایجاد زمینه توسعه و عمران روستاها با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، توزیع عادلانه امکانات از طریق ایجاد تسهیلات اجتماعی، تولیدی و رفاهی، هدایت وضعیت کالبدی روستا و ایجاد تسهیلات لازم جهت بهبود مسکن روستاییان و خدمت زیست محیطی، در راستای نیل به اهداف فوق، تاکنون ۸۰۴ روستای کشور تحت پوشش قرار گرفته که از این تعداد ۴۶۲ روستا دارای طرح

مصوب بوده و عملیات اجرای طرح هادی در ۲۸۶ روستای کشور آغاز شده و از این تعداد عملیات اجرایی ۱۲۲ روستا کاملاً به اتمام رسیده است.

ب - بهبود کیفیت مسکن روستایی:

از جمله مشکلات روستاهای کشور، پایین بودن کیفیت واحدهای مسکونی می باشد که باعث ایجاد محیطهای غیر بهداشتی و نا امن از حیث پایداری در برابر عوامل طبیعی و نابرابریها در مقایسه با شهرها شده است.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در راستای حل این مشکل اقدام به تهیه و اجرای طرح وسیعی به نام طرح بهبود کیفیت مسکن روستایی کرده که تاکنون مراحل از آن به پایان رسیده است. همچنین به منظور احداث خانه های جدید اقدام به تأمین و ایجاد سه عامل اساسی زمین، منابع مالی و نیروی انسانی به شرح زیر کرده است:

الف - زمین: در این راستا بنیاد مسکن براساس وظیفه قانونی خود اقدام به تفکیک زمینهای دولتی (منابع ملی) که قابلیت کشاورزی ندارند، کرده و پس از تهیه طرح مورد نیاز و اقدامات اولیه به روستاییان فاقد مسکن، واگذار کرده است که ۴۳۱۵۶ قطعه با مساحت ۱۹۳۹۷۱۷۳ متر مربع تا پایان سال ۱۳۷۱ به روستاییان واجد شرایط واگذار شده است.

ب - منابع مالی: این منابع به عنوان دومین عامل مورد نیاز پس از زمین مطرح می باشد که بنیاد مسکن در این راستا نیز با هماهنگی مؤسسات اعتباری همچون بانکها اقدام به تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز به صورت وام قرض الحسنه کرده است و طبق شرایط خاصی بین روستاییان توزیع می شود. تا پایان سال ۱۳۷۲ به ۲۳۵۳۴۵ خانوار روستایی وامی معادل ۸۲۴۶۶۸۵۴۰۰۰ ریال برای کمک به ساخت مسکن و نیز به ۱۸۱۵۱ خانوار روستایی وامی معادل ۱۱۵۴۱۳۵۰۰۰ ریال به صورت بلاعوض پرداخت شده است.

ج - نیروی انسانی: با توجه به این که در روستاها مردم سازنده واحدهای مسکونی می باشند، می بایست آموزشهای لازم در این مورد به تمامی روستاییان ارائه شود. بنیاد مسکن در سالهای اخیر این کار را طی طرحی به نام «ترویج ساخت و ساز مناسب روستایی» آغاز کرده و در کنار این روند ارائه نقشه و جزئیات اجرا و نظارت بر ساخت از اموری است که توسط بنیاد مسکن صورت می پذیرد.

- بازسازی و نوسازی مناطق سانحه دیده:

یکی دیگر از برنامه های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بازسازی و نوسازی مناطق سانحه دیده

است. مسکن روستایی به دلیل پایین بودن کیفیت و عدم پایداری مناسب متأسفانه در برابر رویدادهای مخرب مانند، جنگ و نیز سوانح طبیعی بیشترین آسیب را متحمل می‌شود و چون پس از سانحه اسکان ساکنان، جهت شروع فعالیتهای اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است به همین علت بنیاد مسکن بلافاصله پس از سانحه اقدام به بازسازی با هدف ارتقاء نسبی ساخت و ساز نسبت به قبل از سانحه می‌کند.

به عنوان نمونه بازسازی مناطق جنگ‌زده که از سال ۱۳۶۱ توسط بنیاد مسکن همزمان با آغاز جنگ تحمیلی آغاز شد تا پایان سال ۱۳۷۱ در پنج استان جنگ‌زده، عملیات ۳۰۳۸۲ واحد احداثی و ۵۸۳۷ واحد تعمیری و در مناطق بمباران شده عملیات ۶۷۷۳ واحد احداثی و ۴۲۸۰۷ واحد تعمیری به پایان رسیده است.

### ب - عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی:

با پیروزی انقلاب اسلامی، از یک سو دگرگونی سازمانها و نهادهای اداری - سیاسی موجود و درگیر در عمران روستایی و از سوی دیگر توجه و چاره اندیشی برای مسائل پیچیده و متنوع روستایی و ضرورت فراهم آوردن امکانات لازم برای سامان بخشیدن به در هم ریختگیهای اجتماعی - سیاسی و حرکت به سوی اقتصاد و خودکفایی اقتصادی، شدیداً احساس شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با توجه به مسائل فوق و احساس مسؤولیت در مقابل مردم هنگام طرح بودجه سال ۱۳۶۰، برای داشتن یک برنامه مشخص و تعیین، جهت و سوی حرکتیهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه تأکید کرده و خواستار ارائه برنامه مدون از طرف دولت شدند. تا اینکه در ۱۶ مرداد ماه ۱۳۶۰ تهیه برنامه رشد و توسعه کشور در برنامه کار دولت قرار گرفت. نهایتاً اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در ۲۶ مرداد ماه سال ۱۳۶۲ برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. ولی این برنامه به دلایلی به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و به مورد اجرا در نیامد و ما هم از بحث جزئیات آن در این جا صرف‌نظر می‌کنیم.

هر چند تدوین برنامه دیگر مدتی به درازا کشید ولی اقداماتی در جهت بهبود شرایط کلی حاکم بر روستاها صورت می‌گرفت و در زمینه تجدید سازمان و ایجاد نهادهای انقلابی کوششهایی به عمل می‌آمد. نهادهایی چون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، هیاتهای هفت نفره واگذاری اراضی، وزارت جهاد سازندگی، مراکز خدمات کشاورزی یکی بعد از دیگری به وجود آمد و هر یک بخشی از امور عمران روستاها را بر عهده گرفتند.

در این دوره برخلاف دوره قبل بیشتر به روستاهای محروم و دور افتاده که در دهه‌های قبل عملاً از نظر مجریان عمران روستاها دور و پنهان مانده بودند توجه می‌شد. از جمله طرحهایی که از طریق وزارت جهاد سازندگی به اجرا گذارده شد و به توفیقات چشمگیری دست یافت طرح بهسازی روستاها می‌باشد، که از سال ۱۳۶۲ اجرای آن در روستاها آغاز شده است. همچنین تأسیس ستاد مرکزی هیأت‌های هفت نفره، احیای و واگذاری اراضی، از دیگر اقدامات این دوره است که در سال ۱۳۵۹ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران براساس ضرورت برای زمین دار کردن روستاییان بی‌زمین و فقیر به فرمان امام (ره) به وجود آمد و تا حال هزاران روستایی فقیر و بی‌زمین را صاحب آب و خاک و بالاخره «درآمد» کرده است. در صفحات قبل در این زمینه مفصلاً بحث کردیم.

**برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲):**

اولین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۸ به مورد اجرا گذاشته شد. علاوه بر اینکه در این برنامه، عمران روستایی در فصول مختلف بطور جنبی مورد توجه قرار گرفته است، اعتباری معادل ۷۴/۵ میلیارد ریال در فصل امور اجتماعی به «عمران و نوسازی روستاها» تخصیص داده شده است. منتهی باید گفت در این جا نیز شهر پیشتازی می‌کند و با اهرمهای قدرت که همیشه در دست شهرنشینان بوده و الان نیز کم و بیش هست و نقشی که در ساختار سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور دارد، سرنوشت بشر را رقم می‌زند. به قول «لوفور»، «سرنوشت بشر نه در میان ستارگان و نه در روستا بلکه در شهرها تعیین خواهد شد».

هر چند پیروزی انقلاب اسلامی، با آرمان حمایت از محرومان و مستضعفان، این برداشت که شهر و شهرنشینان را اهرم سیاسی مهم و در رأس هرم قدرت، دستگاه حاکم به شمار می‌روند را بر هم زد، ولی باز در توزیع اعتبارات عمران شهری و روستایی از کل اعتبارات عمرانی، پیشتازی شهر بر روستا خود را نشان می‌دهد و این در حالی است که روستاهای کشور، چنان که می‌دانیم واحدهای مستقلی را تشکیل می‌دهند که علاوه بر خود مصرفی بودن، نیازهای شهرها را هم تأمین می‌کنند.

مثبت‌ترین وجوه برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، گذشته از توجه ویژه آن به بخش کشاورزی، تبدیل بخش کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و سود آور است، تا امکان بهره‌برداری بهینه از عوامل تولید در بخش کشاورزی فراهم شود. زیرا تجربیات سالهای گذشته نشان داده که تأمین نیازمندیهای غذایی و مواد اولیه صنعتی کشور از طریق واردات، مسلماً به دور از مشکلات بعدی نخواهد بود، زیرا ایجاد تعادل از طریق واردات، در بلند مدت، با



توجه به رویدادهای اقتصادی و سیاسی جهان امروز، احتمالاً آثار و نتایج نامناسبی به بار خواهد آورد. از این رو در این برنامه، بخش کشاورزی مورد توجه خاص برنامه‌ریزان قرار گرفت و دولت اقدامات دامنه‌داری برای رشد سریع این بخش آغاز کرد. خوشبختانه ساختار تولید اقتصاد کشور در بخش کشاورزی با دارا بودن امکانات بالقوه و ظرفیتهای وسیع و قابل توسعه قادر است در زمینه‌های افزایش تولید و تقویت ثبات اقتصادی و ایجاد اشتغال نقش ارزنده‌ای ایفا کند. در رابطه با تحقق این آرمان و به منظور جلوگیری از واردات مواد غذایی قابل توجه در اهداف کمی برنامه پنج‌ساله اول توسعه، رشد بخش کشاورزی ۱/۶٪ پیش بینی شده که می‌توان اذعان داشت تا حد قابل توجهی نیز موفق بوده است. دستیابی به چنین رشدی در تولیدات کشاورزی و استمرار آن در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه می‌تواند شکاف به وجود آمده کنونی بین تولید و مصرف را کمتر کند، از آنجایی که از عمر انقلاب اسلامی ایران و پیروزی انقلاب بیش از ۱۶ سال نمی‌گذرد و در سال پایانی برنامه اول و آغاز برنامه دوم هستیم و این فاصله زمانی برای بررسی تحولات به عمل آمده در روستاهای کشور بسیار کوتاه است، لذا نمی‌توان و نباید انتظار داشت که تغییرات اساسی در این زمینه به عمل آید. مضافاً بر اینکه، مسائل جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی و برخی علل و عوامل دیگر موجب تأخیر در برنامه‌ریزی برای تعیین مناسبترین برنامه عمران روستایی شده است. در حال حاضر پس از خاتمه جنگ و عادی شدن زندگی اقتصادی کشور، بحث در شیوه‌های توسعه روستایی و نظام برنامه‌ریزی روستایی در محافل مختلف نسبت به سالهای پیش با شدت بیشتری از سر گرفته شده است و در این زمینه تاکنون اقدامات و پیشنهادهای از سوی سازمانهایی که مستقیماً درگیر این مسأله هستند صورت گرفته است که به پاره‌ای از آنها ذیلاً اشاره می‌شود.

### نشانه‌های تحول و پیشرفت:

امروزه سیمای روستاهای کشورمان در اثر پیروزی انقلاب اسلامی حاکی از نشانه‌های تحول و پیشرفتی است که بدون شک قابل مقایسه با گذشته‌های دور و نزدیک نیست. روستایی که حتی تا ده سال قبل، فاقد مدرسه، راه، مراکز بهداشتی و آب و برق و نظایر آن بود و کاملاً در انزوا و در یک مدار بسته خود مصرفی به سر می‌برد، با کشاورز و روستایی امروزی فرق بسیار داشت.

هر چند بررسی تحولات عمران روستاها نشان دهنده، کندی پیشرفت در امور عمرانی روستاها می‌باشد و بعضی از نهادهای تأسیس شده در حال حاضر منشأ اثری نمی‌باشند، ولی این وضع دلیل بر عقب ماندگی وضع روستاها و زندگی مردم روستایی کشورمان نیست. بلکه بر عکس

نشان دهنده اقدامات و پیشرفتهایی است که در این مسیر شروع شده، منتهی در اثر سوء مدیریت و عدم هماهنگی کارکنان اجرایی دولت در سطح روستاها که ناشی از تمرکز اختیارات و تصمیم‌گیریهای است که در پایتخت و سایر مراکز استانی وجود دارد و با همه تلاشها و سیاستگذارها که دولت انجام می‌دهد، هنوز نتوانسته‌اند در رهگذر این تحولات و پیشرفتهای، ارائه خدمات را هماهنگ و مکمل یکدیگر نموده و در راه به ثمر رساندن هر چه بهتر برنامه‌ها و پروژه‌ها، نتایج لازم را به دست آورند.

امروزه در روستاهای کشور، وزارت کشاورزی، وزارت جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان امور اراضی، علاوه بر سایر وزارتخانه‌ها، هر یک به نحوی به فعالیت مشغول و در راه یاری و کمک و راهنمایی، صادقانه به هموطنان روستایی خود، قدمهای مفید و مؤثری برداشته‌اند.

آمارهای زیر ما را بیش از پیش به جریان واقعیتها و تحولات و پیشرفتهای همه جانبه روستاهای کشورمان آشنا می‌سازد.

بررسی و توجه به این داده‌ها در رابطه با مشکلات و تنگناهای موجود کشور در این ۱۵ سال، نشان می‌دهد که کارهای مفیدی در روستاهای کشور انجام شده، لکن این کارها در رفع احتیاجات و نیازمندیهای واقعی و کلی آنها نبوده و این مسأله نیاز به زمان و توجه و دلسوزی بیشتری در رفع و برآورد مشکلات و خواسته‌های آنها می‌باشد.

تخلیه بسیاری از روستاها و هجوم سیل آسای روستاییان به نقاط شهری و مراکز صنعتی نیز ناشی از همین مسأله است که امید است اجرای صحیح برنامه دوم توسعه و شاید برنامه‌های عمرانی که توجه بیشتر به روستاها دارد، بتواند در حل مشکلات و رفع این تنگناها مؤثر افتد.

در این جا به برخی از اقدامات انجام شده توسط وزارت جهاد سازندگی اشاره می‌شود:

بررسی عملکرد جهاد سازندگی در ۱۴ سال اخیر نشان می‌دهد که:

- ۳۵ هزار شورای اسلامی روستایی در روستاهای کشور راه اندازی شده است.

- در چهار سال اول اجرای برنامه پنجساله اول توسعه ۷۴۳۰ کیلومتر راه روستایی احداث

شده است که نسبت به هدف کمی برنامه، ۲۷۴۰ کیلومتر (۵۹٪) بیشتر عمل شده است.

همچنین در خصوص آسفالت و بهسازی راه روستایی، هدف کمی برنامه پنجساله اول ۲۴۰۰

کیلومتر بوده است که هم اکنون بیش از ۳۵۱۵ کیلومتر اقدام شده است.

- در زمینه آب رسانی نیز ۱۶ هزار روستا از نعمت آب آشامیدنی برخوردار شده‌اند. از اهداف

این بخش در برنامه دوم پنج ساله می‌توان آب رسانی به کلیه روستاهای کشور و بازسازی شبکه‌های آب آشامیدنی بیش از ۵ هزار روستا را ذکر کرد.

- بعد از انقلاب اسلامی به ۲۱۵۰۰ روستا برق رسانی شده و مجموع روستاهای برق‌دار کشور به ۲۶۰۰۰ روستا رسیده است که تقریباً ۶ برابر افزایش پیدا کرده است.

بررسی عملکرد جهاد سازندگی در زمینه برق رسانی به روستاها طبق اهداف برنامه پنج ساله اول نشانگر آن است که طی چهار سال اول اجرای برنامه (۷۱ - ۶۸) با برق رسانی به حدود ۴ هزار روستا، حدود ۵۰٪ از اهداف برنامه تحقق یافته است.

شاخصترین پروژه در بخش برق رسانی، احداث نیروگاه زنجیره برق آبی ۱۳ مگاواتی یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد است.

- بهسازی روستایی نیز از خدمات ارائه شده به روستاهای کشور توسط جهاد سازندگی است. از اهداف عمده آن می‌توان به ایجاد مراکزی برای حمایت از کشاورزی، استقرار واحدهای صنعتی، روش بخشیدن به خدمات تجاری، بهبود اوضاع فیزیکی محیط زیست روستایی و ایجاد شرایط محیطی برای استقرار نیروهای متخصص روستایی اشاره کرد. از سال ۱۳۶۵، جهاد سازندگی ضمن تهیه طرح بهسازی برای حدود ۷۰۰ روستا و اجرای آن در ۴۰۰ روستا، از ۷۰۰ روستا عکس هوایی تهیه کرده است.

- در زمینه افزایش سطح درآمد روستاییان، با حدود بیش از ۷ هزار موافقت اصولی و ۱۵۸۵ پروانه تأسیس، برای نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر، اشتغال ایجاد شده است.

از اهداف برنامه اول توسعه در این بخش، ایجاد ۱۹۸ تعاونی فرش و غیره فرش بوده است که تاکنون حدود ۱۳۵ تعاونی ایجاد شده است. همچنین ارزش افزوده‌ای که برنامه برای این بخش مقرر کرده ۹/۹ میلیارد ریال بوده است که تاکنون سال چهارم برنامه تنها از طریق تولید بیش از ۱۲۴۰ متر مربع فرش، ارزش افزوده‌ای معادل ۱۲۹ میلیارد ریال به دست آمده است.

- از لحاظ حفظ منابع طبیعی و احیای جنگلها، مجموعه فعالیتهای جنگل کاری قبل از انقلاب اسلامی، ۴۳ هزار هکتار در سطح کشور بوده است. که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر سال ۱۳۷۱ به ۳۰۰ هزار هکتار رسیده است که رشدی حدود ۷۰۰٪ را نشان می‌دهد.

- در امور دام که به عهده جهاد سازندگی است، میزان تولید گوشت قرمز از مقدار ۳۹۷ هزار تن در سال ۱۳۵۷، به میزان ۶۳۱ هزار تن در سال ۷۱ افزایش یافته است. طی این مدت، میزان تولید گوشت سفید، تخم مرغ، شیر خام، پنیر صنعتی و جذب شیر نیز در کارخانجات به ترتیب ۳۳۴ هزار

تن، ۲۴۵ هزار تن، یک میلیون تن و ۷۳۰ هزار تن، ۱۳ هزار تن و ۵۵۰ هزار تن افزایش داشته است. بررسی عملکرد بخش شیلات براساس اهداف برنامه پنج ساله اول، نشان می‌دهد که در این مدت (۱۳۷۱ - ۱۳۶۸) بیش از ۱۳۰۰۰۰۰ هزار تن انواع آبزیان تولید شده است که ضمن محقق ساختن هدف برنامه، چهار برابر تولید قبل از انقلاب است. رتوس عملکرد شیلات در طول برنامه پنج ساله اول عبارت است از:

۱- افزایش تولیدات آبزیان از میزان ۲۳۷ هزار تن در سال ۶۷ به میزان ۳۵۰ هزار تن در سال ۱۳۷۱ - که ۴۸٪ رشد را نشان می‌دهد.

۲- افزایش اشتغال از حدود ۵۲ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ به حدود ۷۲ هزار نفر در سال ۷۱ که ۳۹٪ رشد را نشان می‌دهد.

۳- افزایش ۵۰ هزار تن به ظرفیت تخلیه صید کشور.

نکته قابل توجه این که در طول سالهای انقلاب و بعد از آن به علت وقوع جنگ و عوامل داخلی و خارجی، بخشهای دیگر اقتصادی رشد منفی داشتند، در حالیکه کشاورزی در تمام دوره بغیر از سال ۱۳۶۲ از رشد مثبت برخوردار بوده است. بُعد سیاسی اهمیت کشاورزی برای کشور کمتر از بُعد اقتصادی نیست، وابستگی کشور از لحاظ تأمین مواد غذایی استقلال کشور را ضربه پذیر می‌سازد. با توجه به اهمیت سیاسی و اقتصادی این بخش و همچنین پتانسیل بالقوه موجود در کشور رشد بخش کشاورزی از ضرورت خاصی برخوردار است. برای رسیدن به هدف مذکور باید ابتدا موانع عوامل مؤثر در رشد مشخص گردند و راه حل مقابله با موانع، جهت هموار کردن مسیر رشد انتخاب شود. این راه حل می‌بایست در چهارچوب جهت‌گیریهای برنامه پنجساله دوم که همانا افزایش تولید است، باشد.

نتیجه:

نگاهی کارشناسانه به نتایج برنامه‌های عمران روستایی:

بررسی وضعیت روستاهای کشور در طول تاریخ نشان می‌دهد که روستاهای ایران تا قبل از دهه ۱۳۲۰ خودکفا بوده و علاوه بر تأمین نیازهای خود و جامعه شهری نقش مؤثری نیز در رونق تجارت خارجی به عهده داشته است. ولی روند نزولی صادرات که از دهه ۱۳۲۰ شروع شده، ادامه یافته و در مقابل بر حجم واردات افزوده و از سهم تولیدات روستایی (کشاورزی) در تولید ناخالص ملی کاسته شده است.

بطوری که در صفحات قبل به تفصیل بحث شد، برنامه‌های عمرانی رژیم گذشته نشانگر توجه

و اهمیت فراوان به بخش غیر کشاورزی بخصوص به صنعت بود، اگر چه در بخش اخیر نیز بطوری که امروزه شاهد آن هستیم چندان پیشرفتی حاصل نگردید، ذکر بعضی از آمار و ارقام برنامه‌های دولت اگر چه به صورت خیلی کلی و تکراری دلیل بر این مدعا است.

سهم سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی از ۲۵/۵٪ در برنامه عمرانی سوم به ۶/۶٪ در برنامه عمرانی پنجم نزول کرد. در صورتی که سهم صنایع در طی همین دوره از ۷/۵٪ به ۲۲٪ افزایش یافت. همچنین سهم اعتبارات بخش کشاورزی در برنامه‌های عمرانی روند نزولی را طی کرده است و از ۲۸٪ سهم کل اعتبارات پیش بینی شده برنامه اول به ۷/۵٪ در برنامه پنجم کاهش یافت.

نتیجه این که بعد از اجرای پنج برنامه عمرانی، این سیاستها عدم هماهنگی رشد تولیدات بخش کشاورزی با رشد نیازهای داخلی و وابستگی بیشتر به واردات از خارج شد.

بررسیهای کارشناسانه برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

(۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) نشان می‌دهد: ۴۳

در دوره بعد از انقلاب هم اگر چه سیاست دولت بر اولویت دادن بخش کشاورزی تأکید داشته و یک رشد نسبی در سرمایه‌گذاریهای دولت نسبت به سالهای قبل از انقلاب مشاهده می‌شود. ولی عملاً به علت بافت کشاورزی و مسائل و مشکلات روستایی، این بخش توانست تأثیر چندانانی در میزان وابستگی بگذارد.

چنانچه رشد و توسعه بخش کشاورزی حداقل در حد تأمین نیازهای ضروری کشور از اهداف جمهوری اسلامی باشد، باید تحرّکی در این بخش به وجود آورد. این تحرک شناخت مسائل و مشکلات موجود می‌باشد و اولین گام عملی در این زمینه بررسی برنامه پنجساله ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲ می‌باشد. ۴۴

کل سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در برنامه معادل ۲۸۶۸ میلیارد ریال می‌باشد که از این رقم ۷۸۷/۲ میلیارد ریال (۲۷/۵٪) از محل اعتبارات عمرانی دولت، ۱۲۸/۸ میلیارد ریال (۴/۵٪) از محل منابع شرکتهای دولتی و ۱۹۵۲ میلیارد ریال (۶۸٪) از محل اعتبارات بانکی تأمین می‌شود که از رقم اخیر ۷۲۶/۳ میلیارد ریال (۲۵/۳٪) از محل پس انداز بخش خصوصی و ۱۲۲۵۱۷ میلیارد ریال (۴۲/۷٪) از محل تسهیلات بانکی خواهد بود. بنابراین سهم سرمایه‌گذاری ثابت بخش دولتی تنها ۳۲٪ می‌باشد. ۴۴

در حالی که مقایسه سرمایه‌گذاری ثابت بخش کشاورزی (به قیمت ثابت سال ۵۳) طی

سالهای ۱۳۵۵ الی ۱۳۶۴ نشان می‌دهد که سالهای قبل از انقلاب سهم سرمایه‌گذاری ثابت بخش دولتی در کشاورزی نسبت به کل سرمایه‌گذاری ثابت طی سال ۱۳۵۶ معادل ۵۸٪ بوده، حال آن‌که در سالهای بعد از انقلاب نظیر سال ۱۳۶۳ این نسبت به ۲۶٪ تنزل یافته که نشانگر عدم توجه کافی به بخش کشاورزی به دلیل فقدان برنامه توسعه اقتصادی بوده است. سهم سرمایه‌گذاری ثابت بخش دولتی در طول برنامه اول توسعه به ۳۸٪ افزایش یافته است.

نکته قابل توجه این است که از ۳۲٪ سهم سرمایه‌گذاری ثابت بخش دولتی در طول برنامه نیز، تنها ۱/۷٪ آن را طرحهای تکمیلی و مابقی (۳/۳۰٪) به طرحهای جدید و نیمه تمام تخصیص می‌یابد که با توجه به بوروکراسی موجود در دستگاههای دولتی، تداخل وظایف و مدت زمان طولانی به بهره‌برداری رسیدن طرحهای جدید و نیمه تمام احتمالاً در برنامه پنجساله بعدی به مرحله بازدهی خواهد رسید.<sup>۴۵</sup> روند گذشته نیز بیانگر مطلب فوق است.

اما همانطور که در جدول ۱-۴ ملاحظه می‌شود، بخش کشاورزی با این که سهم اندکی از کل سرمایه‌گذاریهای ثابت ناخالص کشور را داراست (بین حدود ۴/۳٪ تا ۷/۷٪) ولی از نظر ارزش افزوده و صادرات غیر نفتی سهم بیشتری را نسبت به سایر بخشها به خود اختصاص داده است. در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری سرانه در هر هکتار (بدون آیش) بسیار اندک است (۲۴۴۹ تا ۵۴۳۰ ریال در هکتار) و همین امر باعث شده است که بعد از ۳۰ سال برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری از یک طرف عملکرد محصولات مختلف افزایش زیادی پیدا نکند و از سوی دیگر روند کلی سطح زیر کشت نیز سال به سال کاهش یابد و گاهی ثابت بماند.

بطور کلی باید اذعان داشت که در سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه توجه لازم به بخش کشاورزی نشده است و استراتژی توسعه مشخص برای رشد تولید محصولات کشاورزی تدوین نگردیده است.

همین قلت سرمایه‌گذاری و عدم توجه باعث شده که ۳۲ میلیون هکتار از اراضی مستعد و ۷۵٪ آب قابل بهره‌برداری در کشاورزی به صورت بایر رها شود، و ۷۰٪ نیروی شاغل بی سواد در این بخش وجود داشته است. رکود ترویج و آموزش و صدها مشکل دیگر نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم و همه جانبه در بخش کشاورزی دارد. جدول شماره ۷ و ۸ منابع موجود در بخش کشاورزی و پتانسیل بالقوه آن را نشان می‌دهد:

## جدول شماره ۷- موقعیت بخش کشاورزی از نظر تولید و سرمایه‌گذاری در سالهای

۱۳۵۲-۶۷

سال	سطح زیر کشت (هزار هکتار) بدون آیش	قیمت ثابت (۱۳۵۳)	ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال به	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۵۳)	سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (درصد)	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش کشاورزی (میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۵۳)	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کل کشور (میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۵۳)	سهم بخش کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص (درصد)	سهم بخش کشاورزی از کل صادرات غیر نفتی (درصد)	سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص در هر هکتار (ریال به قیمت ثابت ۱۳۵۳)
۱۳۵۲	۱۰۴۳۷	۲۷۹/۹	۲۲۹۰/۹	۱۲/۲	۳۶/۲	۴۵۶/۸	۸	۸۴/۳	۳۴۷۰	
۱۳۵۶	۸۶۲۴	۳۲۷/۳	۳۸۱۲/۶	۸/۶	۴۶/۸	۱۰۸۳/۱	۴/۳	۷۲/۳	۵۴۳۰	
۱۳۶۰	۱۰۹۹۶	۴۰۴	۲۶۳۹/۴	۱۵/۳	۳۵/۱	۵۶۲/۸	۶/۲۴	۹۴/۶	۳۱۹۰	
۱۳۶۱	۹۲۱۲	۴۳۶	۳۰۴۰/۳	۱۴/۳	۳۴/۵	۶۱۸/۵	۵/۶	۹۰	۳۷۴۰	
۱۳۶۷	۱۰۱۶۷	۴۹۰/۶	۳۰۲۰/۲	۱۶/۲	۲۴/۹	۳۰۷/۲	۸/۱	۷۴/۴	۲۴۴۹	

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که هر چند افزایش مقدار سرمایه‌گذاری با توجه به روند گذشته و اثر آن بر تولید قابل توجه است، اما باید به کیفیت و کارایی استفاده و اجزای سرمایه‌گذاری توجه داشته باشیم. همانطور که گفته شد با این که سهم بخش کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری ثابت کشور بسیار ناچیز است، اما از همین مقدار هم درست استفاده نمی‌شود و دارای کارایی لازم نیست. به دیگر سخن سرمایه‌گذاریهای بخش کشاورزی نظیر تراکتور، کمباین، تیلر و سایر تجهیزات بخش کشاورزی یا سریعاً مستهلک می‌شود و یا در فعالیتهای غیر مرتبط به کشاورزی به کار گرفته می‌شود.

در نتیجه می‌توان گفت، اگر چه سیاست کلی محور بودن بخش کشاورزی مورد توجه مسؤولان واقع شده است، لیکن اکثر جهت‌گیریهای موجود در برنامه پنجساله دوم تداوم

جدول شماره ۸- چگونگی استفاده از منابع موجود در بخش کشاورزی و مقایسه آن با امکانات بالقوه (در حال حاضر)

منابع	امکانات بالقوه	میزان استفاده فعلی
خاک:		
اراضی قابل استفاده (میلیون هکتار)	۵۱	۸/۵ آبی با آیش
آب:		
استحصال سالانه (میلیارد متر مکعب)	۱۲۰	۷۰
جنگل:		
استحصال سالانه چوب (میلیون متر مکعب)	۴	۱/۵
مرتع:		
تولید سالانه علوفه خشک (میلیون تن)	۳۵	۱۵/۵
گوشت قرمز (هزار تن)	۷۱۵	۵۲۰
گوشت مرغ (هزار تن)	۶۵۰	۳۳۰
تخم مرغ (هزار تن)	۵۳۰	۲۵۰
شیر (هزار تن)	۴۸۰۰	۳۳۵۰
شیلات و آبزیان:		
تولید ماهی در آبهای داخلی (هزار تن)	۱۲۲	۳۳
استحصال ماهی و میگو در آبهای جنوب (هزار تن)	۵۶۵	۱۴۰
استحصال ماهی و خاویار در آبهای شمال (هزار تن)	۵۳	۱۳/۷

مأخذ: برنامه پنجساله، بخش کشاورزی (۷۲ - ۱۳۶۸) کتاب خلاصه ص ۱۳.

جهت گیریهای گذشته می باشد.

چه باید کرد؟

برای بهره گیری بهینه از تخصیص عوامل کمیاب تولید، بخصوص سرمایه، بایستی به بخش کشاورزی و روستایی توجهی خاص مبذول شود. ذیلاً ملاحظاتی در این رابطه توضیح داده می شود:

۱- برای جلوگیری از بین رفتن ثروت عمومی و منابع طبیعی کشور، فقر غذایی و مهاجرت



روستاییان و همچنین برقراری تعادل اقتصادی از یکسو و تقلیل واردات، صرفه‌جویی ارز و الزام به خودکفایی به منظور دستیابی به استقلال سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر، ضرورت سرمایه‌گذاری ملی در بخش کشاورزی را بیش از هر زمان آشکار می‌سازد.

۲- سهم سرمایه‌گذاری ثابت بخش کشاورزی در برنامه نسبت به سایر بخشها ناچیز و اندک بوده و لذا ضرورت تجدید نظر و تغییرات کلی در سرمایه‌گذاری ثابت در بخش کشاورزی اجتناب ناپذیر است.

۳- بخش کشاورزی به علت پایین بودن سهم ارزش افزوده در تولید ناخالص داخلی (۲۱٪) و سر و کار داشتن با نیمی از جمعیت کشور قادر به تجمع سرمایه نیست، زیرا به دلیل پایین بودن بهره‌وری نیروی کار که عمده معلول ناکافی بودن تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در این بخش می‌باشد، باقیمانده‌ای حاصل نمی‌شود تا به امر سرمایه‌گذاری اختصاص یابد و برای بخش کشاورزی بتواند با تلفیق سرمایه و نیروی کار به تولید پردازد و قادر به تجمع سرمایه از محل منابع داخلی خود باشد، بایستی برای ایجاد شرایط فیزیکی مناسب تولید و سرمایه‌گذاری اولیه بخش کشاورزی در جهت تأمین اعتبار از منابع دولتی اقدام شود.

۴- تنها زمانی که امکانات زیربنایی بطور هماهنگ و مطلوب در قالب برنامه طراحی شود، سرمایه‌گذاری خصوصی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند سودآوری خود را در حد مطلوب داشته باشند به حدی که بتوانند با بخشهای دیگر رقابت کنند. وظیفه سرمایه‌گذاری زیربنایی به عهده دولت می‌باشد. در حالی که سهم سرمایه‌گذاری دولتی (۳۲٪) است که از همین میزان نیز به صورت بهینه استفاده نمی‌شود و کفاف ایجاد چنین امکاناتی را نمی‌دهد. این مسأله موجب شده که علی‌رغم افزایش سطح زیر کشت طی سالهای اخیر راندمان تولید از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار نباشد.

۵- از آنجایی که توسعه کشاورزی منحصراً مبتنی بر استفاده مطلوب از تمام امکانات کشاورزی است، بنابراین ضرورت تجدید نظر در سازماندهی و دستگاههای دست اندر کار کشاورزی و روستایی و شبکه اعتباری (خصوصاً اعتبارات عمرانی دولت) را در جهت تحقق شرط اصلی رشد و توسعه که جامعیت و یکپارچگی برنامه‌ریزی و امور اجتماعی است، انکار ناپذیر می‌سازد.

## منابع و مأخذ

- ۱- «معانی، مفاهیم، تعاریف، نظریات و کتابشناسی توسعه کشاورزی و عمران روستایی»، دفتر امور تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد اول، ص ۲.
- 2- **A Hand Book prepared by a study confrance on comun Development.**
- ۳- برای بررسی جامع تاریخچه و پیدایش اصطلاح «عمران» و سیر تحوّل آن مراجعه کنید به:
  - **Community Development A hand book London Her Majesty Stantasy office.**
  - **T.R. Batten; Democracy Speaks many.**
  - **T.R. Batten; Social Progress through comunity Development.**
- ۴- منبع شماره ۱، ص ۲.
- ۵- شهبازی، اسماعیل، توسعه و ترویج کشاورزی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، شماره مسلسل ۳۳۳۹، تیرماه ۱۳۷۲، ص ۳.
- ۶- منبع شماره ۱، صص ۱۹-۲۲.
- ۷- منابع شماره ۳.
- ۸- انبیره، ژولیوس، عمران روستایی، ترجمه اسداله رضائی پور، مشهد، مجتمع آموزش عالی بیرجند، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۹- فرید، ید...، روش تحقیق شهر و روستا، دانشگاه تبریز به نقل از:
 

**Mourice le Lannou : Le déménagement du territoire Collections Esprit "Frontière ouverte"**  
**Ed du seuil Paris 1967.**
- ۱۰- تحول بخش کشاورزی و توسعه انسانی، ترجمه دکتر میاوش مریدی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، دی ماه ۱۳۷۲، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۱۱- مهندسان مشاور DHV هلند، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، مترجمان: سید جواد میر، ناصر اوکتایی و ... مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی ۱۹۷۱.
- ۱۲- میسرا. آر. پی، برداشتی نواز مسائل توسعه، ترجمه حمید فراهانی راد، نشریه گزیده مسائل اقتصادی، اجتماعی، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه شماره ۶، ص ۶.
- ۱۳- میسرا. آر. پی، توسعه روستایی - مسائل و مشکلات - روستا و توسعه، گزیده مقالات شماره اول، دی ماه ۱۳۶۶، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

۱۴- همان منبع.

۱۵- رسول اف، جلال، درباره مدیریت توسعه پایدار کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، شماره

۴، تهران ۱۳۷۲، صص ۳۵ و ۳۶.

۱۶- دیاکونوف، م. م، تاریخ اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، جلد اول.

۱۷- دیاکونوف، م. م، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، صص ۱۵۶ تا ۱۶۶.

۱۸- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ سوم، ابن سینا.

۱۹- طالب، مهدی، نگاهی جامعه شناسانه به اعتبارات روستایی ایران، صص ۲۲ و ۲۳.

۲۰- ماده یک قانون عمران، مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۶.

۲۱- گلسترخی، حسینعلی، بررسی قوانین عمران روستایی از مشروطیت تا حال، مؤسسه آموزشی و تحقیقات

تعاونی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.

۲۲- گزارش عملکرد برنامه‌های عمرانی اول و دوم، ۱۳۴۳، سازمان برنامه و بودجه.

۲۳- دوفومیه، مارک، جغرافیا و سیاست‌های ارضی، ترجمه دکتر علی پورفیکویی، نشر نیکا، مشهد ۱۳۷۲،

صص ۷۱ تا ۷۶.

۲۴- طالب، مهدی، اعتبارات روستایی در ایران، به نقل از:

**Jean Lecoz, Reforme Agraire, P.U.F 1974, pp 113 - 115.**

۲۵- سیمای مالکیت ارضی مزروعی ایران، وزارت کشاورزی، معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت و

صنعت‌ها، صص ۳۱ و ۳۲.

۲۶- همان منبع، ص ۲۳۹.

۲۷- منبع شماره ۲۳، ص ۹۲.

۲۸- سیمای مالکیت ارضی مزروعی ایران، صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، وزارت

کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۷۱، صص ۸۲ و ۸۳.

۲۹- روزنامه بزرگ، شماره ۸۶، تاریخ ۴ مهرماه ۱۳۶۰.

۳۰- گزارش عملکرد سازمان امور ارضی، جلد اول، اردیبهشت ماه ۱۳۷۲.

۳۱- وثوقی، منصور، جامعه شناسی روستایی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶، ص ۲۷۴.

۳۲- شریفی، امیر حسین، نظام مدیریت روستایی و نقش مشارکت در آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد

راه‌نما: دکتر حسین آسایش، ۱۳۷۲، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری.

۳۳- آئین نامه اجرایی مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری، ۱۳۶۰.

- ۳۴- گزارش مهندسین مشاور «ست کوپ» با همکاری مشاور «پارتیا» در باب توسعه استان خراسان، جلد سوم.  
 ۳۵- تاریخچه بنیاد و سیر مراحل مختلف آن از بدو تأسیس تاکنون، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.  
 ۳۶- مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر اطلاعات مدیریت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی،

۱۳۷۲

- ۳۷- فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره یک، ص ۲۲۱.  
 ۳۸- گزارش عملکرد برنامه سوم، سازمان برنامه و بودجه.  
 ۳۹- یزدان پناه، جواد، سیر تحولی انجمنهای ده و عمران روستایی در ایران، سازمان برنامه و بودجه، بهمن ماه

۱۳۳۵

- ۴۰- سیاستها و توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران، نخست وزیری، اردیبهشت ماه ۱۳۵۹.  
 ۴۱- میسرا، آر. پی، چهارچوب مکانی برنامه ریزی دراز مدت چند سطحی در ایران، با اشاره خاص به استان فارس، سازمان برنامه و بودجه، سازمان ملل متحد (مرکز آموزش و پرورش در برنامه ریزی منطقه ای)، تیرماه ۱۳۵۳.  
 ۴۲- آسایش، حسین، بررسی مسائل اقتصادی و اجتماعی روستاهای هشتگرد، موضوع طرح شماره ۵۵۱۰، سازمان برنامه و بودجه، دانشگاه تبریز، بخش تحقیقات روستایی.  
 ۴۳- این مطلب بخش فشرده ای از گزارش «بررسی وضعیت بخش کشاورزی در برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۲- ۱۳۶۸) که زیر نظر آقای دکتر محمد قلی موسی نژاد با همکاری کارشناسان معاونت امور اقتصادی ذر وزارت دارایی و امور اقتصادی تهیه شده است.  
 ۴۴- بررسی وضعیت بخش کشاورزی در برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۲- ۱۳۶۸) وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، سال ۱۳۶۹.  
 ۴۵- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ج ۱۰۱۰ (۷۲-۱۳۶۸).